[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

فضای منظر؛ پیوندگاه فرهنگ و طبیعت

شهرام پوردیهیمی */ ساسان سیدکلال**

تاریخ دریافت مقاله: 1390/11/18
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/05/08

چکیده

منظر بر مفهومی بسیار وسیع دلالت دارد. این مفهوم بر اساس دیدگاه‌های گوناگون به موضوعات بسیار متنوعی از جمله فضا، محیط، منطره، مکان، زمین و مفاهیم بسیار دیگر پیوسته است. این مطالعه بحثی است نظری و تلاشی است برای وضوح بخشیدن به مفهوم منظر و ویژگیهای بنیادین و وجوه گوناگون آن. ویژگی‌های فیزیکی فضا در منظر فقط یکی از ابعادِ آن است. مفهوم فضا در منظر و در معماری منظر به‌ندرت مورد بررسی جامع قرار گرفته و همچنین ابهام در مورد تمایز مفهوم منظر از مفاهیمی چون محیط در بحث‌های نظری وجود دارد. مفهوم منظر با محیط تفاوت داشته ومعانی تخصصی و خاص خود را دارد. فضا در ذات منظر وجود دارد و معماری منظر، رشته‌ای فضایی است. منظر با مکانها و ویژگیهایشان در هم تنیده و هویت مکانها را در روستاها، شهرها و مکانهای طبیعی بیان می‌کند. زمان مندی و گشودگی فضا در ذات منظراست و فضا در منظر از طریق حرکت، تغییر، رشد و تعامل با آن درک می‌شود. آمیختگی فرایندهای طبیعی با فضا در منظر، جنبه‌ای از زمانی بودن منظر است که وجه تمایز آن با مصنوعات فضایی چون ساختمان‌ها و آثار معماری است. محصوریت‌های فیزیکی و فضای امتدادی در منظر در مقایسه با نقشی که تراکمات نیروهای طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری مکان‌ها ایفا می‌کنند کم اهمیت‌تر است. تحت تأثیر دوگانه اندیشی‌های گوناگون چون فرهنگ و طبیعت، علم و هنر، منظر، تحت تنش‌های گوناگونی قرار داشته است. مطالعه حاضر تأکید دارد که امروزه منظر به‌عنوان مفهومی جامع، توان آن را دارد که میان این مفاهیم دوگانه میانجیگری نموده و بین آن‌ها آشتی برقرار کند و در این راه از دیدگاه‌های زیباشناسی اکولوژیک و طراحی اکولوژیک به‌عنوان پارادایم‌هایی‌که شیوه اندیشیدن و نگاهی متفاوت نسبت به رابطه فرهنگ و طبیعت ارائه می‌کنند، بهره جوید. منظر محصولی فرهنگی و بازنمود شیوه اندیشیدن انسان در مورد طبیعت و چگونگی رابطه او با محیط و سکونت و نیز پیوندگاه فرهنگ و طبیعت است.

واژگان کلیدی: منظر ، معماری منظر، منظر و فضا، فرهنگ و طبیعت، دوگانه اندیشی و منظر.

* استاد معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی- دکترای معماری (دانشگاه لیدز انگلستان).
** دانشجوی دوره دکترای معماری- دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی .seyedkalal@gmail.com

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

مقدمه

پرسشهای تحقیق

منظر چیست و فضا در معماری منظر چه ویژگیهایی دارد؟

نقش منظر در ارتباط با پیوند فرهنگ و طبیعت چیست؟

منظر

منظر حیطهٔ بسیار وسیعی از دنیای پیرامونی ما را در بر می‌گیرد. مجموعه‌ای از ویژگی‌های بخشی از سطح زمین که آن را ازدیگربخش‌ها متمایز می‌کند. بنابراین منظر ترکیبی است از موضوعاتی چون زمین‌های کشاورزی، ساختمان‌ها، تپه‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، آب‌ها و مجموعه‌های زیستی. منظر کاربری‌های زمین از جمله مسکن، حمل و نقل، کشاورزی و مناطق طبیعی را نیز دربر می‌گیرد و می‌تواند ترکیبی ازآن کاربری‌ها باشد. منظر، فراتر از منظرهای چشم‌نواز[1] است؛ منظر مجموع همهٔقسمت‌های قابل رؤیت ولایه‌های زمان و فرهنگ است که یک مکان را تشکیل می‌دهند: منظرپالیمسستی[2] است طبیعی و فرهنگی. (Steiner 2000:4)

منظر محصولی اجتماعی است. نتیجهٔدگرگون‌سازی جمعی انسان از طبیعت است. (Cosgrove1998:14) با ریشه یابی واژهٔ منظر، نقش پیوند دهندهٔ مردم و مکان‌ها آشکار می‌شود.

کلمهٔ منظر، که به دانمارکیlandscab، به آلمانی landchaft، به هلندیlandschap و به انگلیسی قدیم landscipeاست، ترکیبی از دو پاره است: زمین land هم به معنی مکان وهم مردمی است که در آن زندگی می‌کنند وSkabe و schappen به معنی «شکل دادن» است. پسوندهایskab وschaft مانند ship در انگلیسی به معنی همراهی و شراکت‌اند. (Spirn1998:126)

در زبان فارسی «منظر» را معادلِ landscape نهاده‌اند که مناسب این مفهوم نیست. منظر در فارسی مترادف چشم‌اندازاست و در عربی اسم مکان «نظر» و نظر نیز به معنای نگاه کردن است که فقط بر ویژگی بصریِ این مفهوم تأکید دارد و نارساست. به این معنی که بر هیچ یک از ویژگی‌های فرهنگی، طبیعی و اجتماعیِ آن دلالت ندارد وتداعی‌کننده هیچیک از آن‌ها نیست. واژهٔمنظر در زبان فارسی نزد نامتخصصان واژه‌ای مبهم است و تداعی‌کنندهٔ منظره و محوطه‌سازی. معهذا به سبب رواج این واژه در حیطهٔ حرفه‌ای، در این مطالعه هم این واژه به جای مفهوم landscape استفاده شده است.

معماری منظر

قرن نوزدهم نقطهٔعطفی در رشتهٔ معماری منظر است. هنر و علم معماری منظر تاریخی به درازای تاریخ معماری دارد، اما اولین بار در پایان قرن نوزدهم فردریک لا المستد[3] وکالورت واکس[4] خود را معماران منظر نامیدند و از آن پس این نام برای معماری منظر فراگیر شد.(Turner 1996:144)[5]

معماری منظر رشته‌ای است در خدمت ادراک و شکل‌دهی به منظر. حرفه‌ای است در کاربرنامه‌ریزی سایت وطراحی و مدیریت آن به‌منظورِ ارتقای کیفیت منظر. سرلوحهٔ اهداف این حرفه خلق نظم و هارمونی در رابطهٔانسان ومحیط است. این رابطه در ویژگی‌های اکولوژیک و کاربردی و زیباشناسانهٔمکان‌هایی بروز می‌یابد که در فرایند طراحی خلق می‌شوند؛ رابطه‌ای که برای تسهیل فعالیت‌های انسان و ارتقای تجربه و درک او از منظر ضروری است. (Murphy2005:2)

جفری و سوزان جلیکو در ابتدای مقدمه کتاب *منظرانسان*[6] به اهمیت طراحی منظر این‌گونه اشاره می‌کنند: جهان پیش به سوی زمانی می‌رود که طراحی منظر ***جامع ترین هنرها***شناخته شود. سه دلیل اصلی برای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

این ادعا وجود دارد: الف) نظم و تعادل ظریف طبیعت موجود در درون بیوسفر یا غشا محافظ سیارهٔ زمین رابشر مختل کرده است و گویا فقط تلاش‌های خود او می‌تواند این نظم را دوباره برقرار کند و حیات را تداوم بخشد. ب) این تلاش‌ها نخست خلق اکوسیستم‌هایی را می‌طلبد که با بازگشت انسان به حالت جانوری در بین دیگر جانداران و دوام وجود او را تضمین کند. ج) تقدیر بشر این است که از وضعیت جانوری ارتقا یابد. او محیطی برگرد خود خلق می‌کند که حاصل فرافکندن ایده‌های انتزاعی‌اش بر طبیعت است. اولی نیازی غریزی را در انسان بیولوژیک برانگیخت و منجر به «انقلاب سبز» شد دومی برنامه‌ریزی اکولوژیک توسط متخصصین را موجب شد و سومی ارتقای هنر منظر در مقیاسی تصور ناپذیر وتاریخی را رقم زد. (Jellicoe&Jellicoe 1987:7)

دیدگاه‌های منظر و انواع آن

سایمون سوافیلد[7] تمایز سه نوع منظر را مطرح می‌کند: منظر ادراک عقلی[8] (تصورات ذهنی از زمین)، منظر ادراک حسی[9] (پدیده‌های تعریف شده از طریق چشم) و منظر کل‌نگر (درک ترکیبی)[10]. منظر کل‌نگر ابعاد گوناگونی از وجود انسان را در نظر دارد: ذهن، چشم، تخیل، بدن، و دست (عمل). (Swaffield 2005:8) منظرهای ذهن بر انتزاع ذهنی، منظرهای چشم بر ادراک حسی، منظرهای تخیل بر طریقی که منظرهای تخیل اجتماعی درک ما را شکل می‌دهند، منظرهای جسم بر همهٔ راه‌های ادراک و منظر دست بر بیان عملی و واقعی وتجربه و اکتشاف منظر متمرکزند. (Swaffield 2005)

مخزومی و پانجتی[11] گفته‌اند که منظر را می‌توان از چهار دیدگاه بررسی کرد: منظر به مثابه منظره[12] و به مثابه مکانی خاص[13] و به مثابه بیانی از فرهنگ[14] و به مثابه موجودیتی کل‌نگر.[15] (Makhzoumi&Pungetti 1999: 4)

از دیدگاه اسحاق زونولد[16]، منظر مجموعه‌ای از سیستم‌های ارتباط است که با هم بخش متمایز یا شاخصی از سطح سیارهٔ زمین را شکل می‌دهند. این بخش از زمین با کنش متقابل نیروهای حیاتی و غیرحیاتی[17]و همچنین کنش‌های انسان شکل می‌گیرد. در بطن این تعریف، منظر به سه شیوه تعبیر و تعریف می‌شود:

1) منظر ادراک حسی[18]و 2) منظرالگو[19] و 3) منظر به مثابه یک اکو(سیستم).[20]

منظر ادراک حسی بر جنبهٔ بیرونی وسیماشناسانه (تصویری) منظر دلالت دارد؛ آن‌چنان که انسان در حرکت در آن با حواس ادراک می‌کند (به‌ویژه بعد از رنسانس). این منظر از جنبهٔ زیباشناسی برای هنرمندان و نیز در ارزش‌یابی زمین برای گردشگری و تفرج از جنبه اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند و متداول‌ترین مفهوم در ادبیات رایج است. منظر حسی را همهٔ حواس انسان درک می‌کنند. ادراکات حسی و بوی بهار وصدای رعد و آواز پرندگان نمونه‌هایی از این ادراک‌اند.

مفهوم منظر الگو از مفاهیم رایج در علوم مربوط به منظر است؛ علومی مانند ژئومورفولوژی وعلم خاک و علم گیاهی. این مفهوم به شکل زمین و حیطه‌های خاک وواحدهای پوشش گیاهی و مانند آن اشاره دارد که با الگوهایی تکرار شونده قابل تشخیص‌اند. در این عرصه رابطهٔ مجموعهٔ عناصر منظر را، که افقی سازمان یافته‌اند، مطالعه می‌کنند. این مفهوم در مشاهدهٔ منظرها از بالا (عکس هوایی و تصاویر ماهواره‌ای) و در نقشه‌سازی اهمیت دارد و در مکاتب خاص اکولوژی منظر که جانورشناسان در آن فعالیت دارند، جایگاه ویژه‌ای کسب کرده است.

منظر به مثابه اکوسیستم مفهوم جامع منظر است که در آن دو مفهوم قبلی یکی می‌شوند و سیمای هرسیستم را

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

بیان می‌کنند. این مفهوم موضوعِ اصلی دانش منظر از دیدگاه سیستم‌هاست.(Zonneveld 1995:4)

منظر در معماری

منظر مکانی است برای همزیستی انسان‌ها با هم (در اجتماع)، با طبیعت و موجودات دیگر. این همزیستی راتعامل فرهنگ و طبیعت شکل می‌دهد. نگاهی جامع به منظر هیچ یک از فرهنگ یا طبیعت را در تقدم بر دیگری قرار نمی‌دهد.از طریق سه‌گانهٔ در هم تنیده‌ای از ادراکات حسی و تصورات ذهنی و تجربه زیسته (ادراک ترکیبی)، انسان با منظر، به‌عنوان موجودیتی فضایی، تعامل می‌کند والگوها و شیوه‌هایی از زیستن را فرا می‌گیرد و در عین حال شیوه‌هایی برای زیستن در منظر پدید می‌آورد. منظر هم ساخته می‌شود و هم سازنده است. فرهنگ مجموعه‌ای از الگوها و باورها و ارزش‌های (مادی و معنوی، آشکار و ضمنی) مشترک زیستن گروه‌های اجتماعی است. این الگوها تاریخی/ زمانی و جغرافیایی/ مکانی‌اند. طبیعت نیز بستر مشترک زیستن همه مخلوقات است و البته به سبب تأثیرات فرهنگ بر آن، بکر نیست. اثرات زندگی انسان و مداخلات اودر طبیعت (که بازنمود فرهنگ و اکولوژی انسان است) بخشی جدایی‌ناپذیر از طبیعت شده است.

فضا، منظر و محیط

می‌توان فضا را در معماری منظر بخشی از زمین دانست که انسان‌ها برای مقاصد و اهداف خاص محصور و تعریف کرده‌اند؛ یاابزار و مفهومی برای معماری منظر؛ یا مکانی برای فعالیت در فضای باز[21] است. سازماندهی فضای فیزیکی در منظر فرایندی از تغییر و تحولات در صفحات زمین وصفحات عمودی (دیوارها) و آسمان است.(Dee 2001:33)

کیفیت فضایی باغ‌های تصویرگرایانه[22] و رومانتیک الهام‌بخش شکل‌گیری مفهوم فضا در ادبیات معماری بوده است(Collins 1965:285)، اما ظهور مفهوم فضا در ادبیات معماری منظر و تأکید بر آن محصول دوران مدرن و قرن بیستم بود. فضا یکی از عواملی است که بعد از دورهٔ مدرن، توجه معماران منظر به آن به گسترشِ حیطهٔ اثرگذاری این حرفه کمک کرد. برای گریز از یکسان‌پنداریِ این مفهوم با باغ‌سازی و باغبانی و کشت گیاهان و همچنین گریز از ارتباط ساده انگارانهٔ آن با ترکیب‌بندی یا سازماندهی چشم‌اندازها، طراحی منظر دو ویژگی برجسته معماری مدرن را در دوران بعد از جنگ جهانی شیوهٔ انعکاس خود قرار داده است: فضا و ساختار. (Somol2001:128)

پیتر واکر[23] و ملانیسیمو به نقش فضا در معماری منظر مدرن اشاره می‌کنند و ماجرای ظهور منظر مدرن را اینگونه خلاصه می‌کنند: ظهور باغ‌های مدرن در دهه‌های 1910 و 1920 در اروپا به‌ویژه در پاریس و اطراف آن روی داد. اما در حیطه‌ای وسیع‌تر از معماری منظر، طراحی محیط در وسعتی کلان‌تر از لحاظ مقیاس و هدف قرار گرفت، اثر جنبش مدرن بر معماری منظر تا دهۀ1930چشمگیر نبود.در معماری منظر اثر جنبش مدرن آرام‌تر و اغلب کمتر از دیگر هنرهای فضایی و بصری نمایان بود، ولی ژرفای کمتری نداشت. در معماری مدرن، فضای منظر میانجی متحدکننده‌ای بود که دوباره کشف می‌شد. مردم دیگر فقط نظاره‌گران منظر نبودند بلکه، با تعامل با فضا، بازیگران منظر مدرن می‌شدند. (Walker & Simo1996:3)

گرت اکو[24] گفته است که تعریف معماری منظر مدرن بر دو موضوع اصلی متمرکز است: نخست رابطهٔ منظر با معماری مدرن که پاسخی بود به مشکلات نوظهور اجتماعی و جستجو برای «کارکردگرایی وغنای فضایی» و دوم موضوعات سه‌گانه‌ای که اکو در همهٔ هنرهای جنبش مدرن مشترک یافت:1) فضا، 2)عناصر مادی 3) مردم. (Eckbo in Walker & Simo1996:7)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

منظر مدرن توجه خود را به فضایی بودن منظر و فراهم کردن فضایی مناسب برای اشکال مختلف فعالیت‌ها و رویدادها در زندگی اجتماعی شهری معطوف کرد.

واژهٔ«فضا» کمتر به صراحت در ادبیات نظری رشتهٔ معماری منظر استفاده شده است. بسیاری اوقات، وقتی از منظر صحبت می‌کنیم، در واقع به موجودیتی فضایی نظرداریم. مثلاً در زبان انگلیسی منظر شهری[25] دلالت بر فضای باز شهری دارد و منظر طبیعی[26] با فضای طبیعت تعریف می‌شود. فضایی بودن در ذات منظر است.

در بسیاری موارد فضا در منظر به معنی فضای فیزیکی است. پتریک کاندن[27] دو نوع فضای اصلی را در معماری منظر شناسایی می‌کند: فضای کوبیست[28] و فضای حجمی[29]. فضای کوبیست فضایی است که ابتدا با مکاشفات نقاشان کوبیست طرح شد. این فضا با قرار دادن احجام در فضا شکل می‌گیرد و در مقابل، فضای حجمی با محصور شدن با احجام شکل می‌گیرد. (Condon 1988:84)

البته منظر به معنای وسیع‌تری از فضای فیزیکی هم نظردارد که می‌توان آن را از تعاریفی استخراج کرد که از منظر ارائه می‌شود. ظاهر این تعاریف متفاوت است ولی مفاهیم مشابه است. منظر به مثابه چشم‌انداز در تعریف مخزومی و پانجتی همان منظر ادراک حسی است که سوافیلد و زونولد مطرح کرده‌اند. منظر به مثابه اکوسیستم (در تقسیم بندی زونولد) موجودیتی کل‌نگر است و منظر الگو منظری است که در نهایت با تعقل ادراک می‌شود.

در تعریفی که سوافیلد از انواع منظرمی‌دهد، مفهوم منظر مترادف با فضاست. منظر ادراک حسی فضای بازی است که حواس ادراک می‌کنند. منظر ادراک عقلی فضای بازی است که باتعقل ادراک می‌شود. منظر کل‌نگر نیز مترادف با فضای زیست هاست؛ فضایی که از یگانگی ادراکات حسی و عقلی و تجربهٔ مستقیم زیستن در فضای بازشکل می‌گیرد.

از آنجا که منظر در تعریف بسیار وابسته به زمین و مکان خاص است، در بسیاری از موارد که ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی فضا همزمان مطرح می‌شود، به مفهوم ***مکان*** خاص دلالت دارد.

تعریفی جامع از منظر، به روایت بنسون و رو،[30] چنین است: منظر به مفهومی وسیع‌تر به معنای قطعه‌ای از زمین است که در طی زمان با 1) فرایندهای زمین‌شناسانه و بیولوژیک 2) فعالیت‌ها و اسکان بشر 3) تخیل انسان شکل می‌گیرد.(Benson & Roe 2000:3)

مفهوم فضا ومنظر و محیط اغلب مترادف و در بسیاری اوقات به شکلی نادقیق به‌کار می‌روند. بنسون و رو به این موضوع مهم می‌پردازند که استفاده از محیط به جای منظر مفهوم دقیقی از منظر نیست. **منظر با محیط متفاوت است**. «محیط» به معنای جهان است به‌استثنای «خود»؛ یا به معنای عناصر و فرایندهای فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکیِ تشکیل‌دهندهٔ سیارهٔ زمین است. اما جوهر و ارزش آشتی‌دهندهٔ مفهوم منظر در شیوه‌ای است که در آن عوامل و ارزش‌های طبیعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده و بر رابطهٔ آن‌ها تأکید می‌شود. (Benson & Roe 2000:3)

سایمون بل[31] نیز در تفاوت منظر و محیط بحث کرده و به این نتیجه رسیده است که «منظر» کارکرد و انعطافی دارد که درک آن، به مثابه یکی از واقعیت‌های زندگی روزمره، از «محیط» آسان‌تر است. بنابراین به سبب بسیاری از همین معانی ضمنی، اصلاح تعریف منظر ضروری است. محیط همه چیز را دربر می‌گیرد، پس منظر بخشی از محیط می‌شود که میدان کنش‌های حاضر ماست ومی‌توانیم در لحظهٔحاضر با آن درگیر شویم و تعامل کنیم. (Bell 1999:66)

سخن از طراحی محیط سخن از فضا و حیطه‌های فضایی مختلفی از محیط است و به دنبال آن بحث به رشته‌هایی فضایی[32] می‌کشد همچون معماری، معماری

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

منظر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری که با هم و در تعامل با هم در فرایند طراحی محیط شرکت می‌کنند. منظر در معماری منظر مترادف با موجودیتی فضایی به‌عنوان سکونتگاه انسان است؛ موجودیتی حاصل تعاملات انسان با محیط پیرامونی او، محیط طبیعی و اجتماعات انسانی، فرهنگ و طبیعت. منظرها فقط بستری فیزیکی چون باغ‌ها و پارک‌ها نیستند بلکه هم بازنمود ارزش‌ها و نمادها و تجارب انسان از مکان‌ها هستند و هم حاصل تأثیرات آن‌ها. منظرها بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای زیستن انسان‌اند. بنابراین، اگر چه فضای منظر بستری مادی است و از طریق فضای امتدادی[33] و فیزیکی و کمیات ادراک می‌شود، حاصل روابط و تعاملات (فرهنگ و طبیعت) است و ناگزیر نسبی[34] است. منظر محصول تعامل کیفیات و فضای شدت‌هاست[35] و از فزونی کیفیت‌ها، نیروها، فرایندها و جریانات مادی و ذهنی‌ای اشباع شده است که در یکدیگر نفوذ می‌کنند و بایکدیگر ترکیب می‌شوند و تعامل می‌کنند.

اولین ویژگی بنیادین منظر، به مثابه فضای شدت‌ها، گشودگی[36] است. در منظر، نقش محصوریت‌های فیزیکی و مرزها در شکل‌گیری فضا، جوهرهٔ اصلی نیست، بلکه پیوستگی فضایی- زمانی تراکم‌ها و شدت‌های ماده و انرژی وکنش‌ها و جریانات در محیط مادی است که جوهر اصلی گشودگی منظر را می‌سازد. دومین ویژگی شاخص منظر، به مثابه فضای شدت‌ها، پویایی آن و درهم تنیدگی آن با زمان است. برخلاف فضای امتدادی که ایستاست، منظر تحت تأثیر کنش‌ها و حرکات و تغییرات و فرایندهای طبیعی و فرهنگی‌ای شکل می‌گیرد که تابع زمان‌اند.

تفکر دوگانه در معماری منظر

از دوران مدرن تاکنون، شیوهٔ اندیشیدن به فضا در معماری منظر، همانند معماری، همواره تحت تأثیر دوگانه انگاری‌های مختلف بوده است. جدایی بین عین و ذهن، خودی و بیگانه، و فرد و اجتماع از پیش از تولد ایدهٔ منظر وجود داشته است. (Cosgrove1998:25) جان وایلی[37] دوگانگی‌های اندیشهٔ متفکران مختلف در مورد منظر، به‌ویژه جغرافیدانان فرهنگی را، «تنش‌های[38] مفهوم منظر» می‌داند.

این تنش‌هاعبارت‌اند از: تنش اول: نزدیکی/ فاصله، تنش دوم: مشاهده/ سکونت، تنش سوم: چشم/ زمین، تنش چهارم: فرهنگ/ طبیعت.

تنش اول: نزدیکی/ فاصله. از دیدگاهی پدیدارشناسانه، مشاهده‌گر و مشاهده‌شونده، خود و منظر، اساساً با بودن در جهان، که بر عقلانیت و هدفمندی تقدم دارد و پیش‌زمینهٔ آن است، درهم‌تنیده‌اند. از دیدگاه مقابل، ایدهٔ منظر اساساً با جدایی ناظر و مشاهده همراه است. منظرها انسان را در فاصله‌ای قرار می‌دهند و او را ناظری منفک و جهان را منظره‌ای می‌کنند که از دور مشاهده می‌شود. این بیان هنری در منظر که از نوعی ادراک بصری ریشه گرفته که مختص جوامع اروپایی و غربی است، شاملِ شیوهٔ خاصی از دیدن و بازنمود جهان از موضعی برتر و منفک و حتی هدفمند است. منظر، بنابراین دیدگاه، متعلق به علم و عقلانیت و مدرنیته است؛ دورانی که دانستن را با دیدن، ذهنی بودن را با متوجه بودن، فاصله را با تسلط و ذهن را با تأمل بی‌احساس همراه می‌کند.

تنش دوم: مشاهده/ سکونت. آیا منظر چشم‌اندازی است که بر آن نظر می افکنیم یا جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم؟ آیا منظر همهٔ چیزی است که در اطراف ماست یا فقط آن چیزی است که در مقابل ماست؟ آیا ما منظر را مشاهده می‌کنیم یا در آن سکونت می‌کنیم؟ این پرسش‌ها موضوع اصلی تنش دوم است.

تنش سوم: چشم/ زمین. منظرها جهان واقعی‌اند. آن‌ها جسمانی و کالبدی و ملموس‌اند و نه ساخته‌های تخیل.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

منظر هم پدیدار است و هم ادراکِ پدیدار. منظر را باید از دریچهٔ ذهنی چشم ناظر دید. منظر در حیطه‌های ادراک و تخیل شکل می‌گیرد. منظر فقط آنچه می‌بینیم، نیست، بلکه شیوهٔ دیدن پدیده‌هاست. برتری چشم بر زمین مترادف با برتری ادراک ذهنی بر موجودیتی عینی است.

تنش چهارم: فرهنگ/ طبیعت. فرایندهای طبیعی از یک سو و کنش‌ها و ارزش‌های فرهنگی انسان از سوی دیگر به مثابه حیطه‌هایی شاخص و مستقل سخت مسئله برانگیزند. (Wylie 2007) این تنش اخیر نوعی دوگانه اندیشی نامطلوب است و نیازمندِ بازنگری در مفهوم طبیعت و فرهنگ و رابطه این دو.(Moore 2011:468)

فضای منظر حاصل تنش‌های مفاهیم دوگانهٔ منظر است. ریشهٔ این دوگانگی در دوگانگی مفاهیم «خود» و «دیگری» است. اینکه انسان را مقدم بر طبیعت قرار دهیم و موجودات دیگر و طبیعت را ملزوماتی برای استفادهٔ ابزاری و برآوردن نیازهای او بدانیم دیدگاهی انسان محور است. دربارهٔ آثار مخرب آن بسیار گفته‌اند. در مقابل، دیدگاهی دیگر که تلاش دارد طبیعت را در حد سیستم‌های طبیعی نزول دهد، معانی وجودی و هستی‌شناسانه پدیده‌های طبیعی را در ارتباط بازندگی انسان کم‌رنگ می‌کند و به بیگانه‌سازی انسان و طبیعت یاری می‌رساند. انسان به مثابه طبیعت دوم در فرایندهای طبیعی شرکت می‌کند و می‌تواند از طریق کنش‌های خلاق و پویا و به‌ویژه با خلق منظرهایی که تجلی این آشتی‌اند، در ایجاد تعادل جریانات و فرایندهای طبیعی و آشتی طبیعت و فرهنگ بکوشد.

منظر: پیوندگاه طبیعت و فرهنگ

طبیعت دو چیز است، واقعیتی مادی و ساختی فرهنگی[39]. هردو مفهوم توأماً هستند، اما این دو هرگز یکی نیستند. طبیعت، به مثابه واقعیتی مادی، بیرون ماست و مارا در برمی‌گیرد. دیدگاه دیگر به طبیعتی نظر دارد که قابل اندازه‌گیری و کمی شدن است؛ همان‌که با واژهٔ «محیط» به آن می‌پردازد؛ پیرامون مادی انسان، شامل محیط طبیعی و محیط ساخته، با همهٔ خواص قابل اندازه‌گیری آن. با این حال فقط ساخت‌های فرهنگی طبیعت قابل فهم‌اند. (Hagan2001:17)

منظر طبیعی حاصل فرایند های گوناگونی از نیروهای حیات و ماده و انرژی است. فضای پیوسته‌ای پیرامون کرهٔزمین منظرهای طبیعی و منظرهای ساختهٔ انسان را وحدت می‌بخشد. منظر طبیعی الهام‌بخش انسان در شکل دادن به باغ‌ها و منظرهاست؛ جایی است که طبیعت وارد فرهنگ انسان می‌شود. این‌گونه منظر در قالب باز نمود طبیعت در فرهنگ مطرح می‌شود.

منظر به مثابه باز نمود فرهنگ

منظرها نتیجهٔ گریزناپذیر تعبیرات فرهنگی و حاصل تجمع رسوب باز نمودهای فرهنگ در طی زمان‌اند. از این طریق، می‌توان آن‌ها از «طبیعت وحشی»، در ساخته شدن و لایه‌لایه شدن، متمایز ساخت ... معماری منظر به مهار و تغییر و تحول فیزیکی زمین می‌پردازد تا ایده‌های انسانی دربارهٔ طبیعت و سکونت را بیان و منعکس کند. معماری منظر هنر بیانگر و فیگوراتیوی است که مفهومی از جهت‌گیری وجودی را از طریق ساختمان محیطی نمادین ومصنوع برای فرهنگ فراهم می‌کند. (Corner1992:144)

در دوران معاصر، توجه به منظر، هم به‌عنوان محیط و فضای فیزیکی زندگی انسان که مملو از نشانه‌ها و نمادها و ارزش‌های فرهنگی است و هم قلمروی از کنش‌ها و ارزش‌های معنادار فرهنگی، بیش از پیش رواج پیدا کرده است. این توجه نقش منظر را در سکونت انسان به شیوه‌ای صلح آمیز در تعامل با طبیعت برجسته می‌کند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

منظر به مثابه هویت طبیعی و فرهنگی

مطرح شدن منظرها در ارتباط با فرهنگ، حاصل حضور آنان در محیط خصوصی و اجتماعی انسان و در شکل‌گیری ریشه‌هاست. تمدن‌ها و حکومت‌ها ظهور و سقوط می‌کنند و سنت‌ها وارزش‌ها و سیاست‌ها تغییرمی‌کند، اما محیط طبیعی هر شهر چارچوب دیرپایی است که جامعهٔانسانی درون آن برپامی‌شود. محیط طبیعی شهر و شکل شهر باهم تاریخچهٔ تعامل بین فرایندهای طبیعی و کنش‌های انسانی را در طی زمان می‌سازند. آن‌ها با هم به هویت یکتای هر شهر شکل می‌دهند. (Spirn1984:12)

هویت، موضوعی بنیادین در تعریف فرهنگ است. منظر، بیانی از هویت و بستر منطقه‌ای مکان است. تاریخ طبیعی (از جمله تغییرات زمین‌شناسانه و تکاملی و...) و تاریخ فرهنگی (تحولات اجتماعی و سیاسی و...) همزمان در شکل کالبدی و کارکرد منظرها، به‌عنوان بخشی از هویت مکان‌ها و روح مکان، متجلی می‌شوند. در پی برخی تأثیرات جهانی شدن و بی‌مکان‌شدن مکان‌ها و زوال هویت آن‌ها، توجه به این موضوع در طراحی منظرها می‌تواند اثرات مثبتی در احیای هویت مکان‌ها داشته باشد.

منظر به مثابه ابزاری برای تغییر فرهنگی

جیمز کرنر در کتاب منظر درحال التیام[40] می‌گوید: باید استفاده از منظر را به مثابه رسانه و ابزاری استراتژیک درتغییر فرهنگی به رسمیت شناخت؛ شکلی از مقاومت در برابر یک‌رنگ‌سازی جهانی محیط بابازگشت به خاص بودن سایت؛ استفاده از منظر برای توجه دادن به بحث‌های محیطی؛ استفاده از منظر به مثابه رسانه‌ای برای گسترش پاسخ‌های ابتکاری به اثرات ناصنعتی شدن[41]؛ استفاده از تفکر منظر به مثابه راهی درشکل دادن به زیرساخت‌های کلان شهر مدرن. (Corner 1999)

منظر به مثابه اکوسیستم و منظر به مثابه اثر هنری

در نیمهٔ دوم قرن بیستم، انسان نیک دریافت که وجود او وابسته به شبکهٔ پیچیده‌ای از فرایندهای طبیعی است. (Benson &Roe2000:17) از این رو، توجه به فرایندهای طبیعی در طراحی فضاهای باز و نگرش به فضا به مثابه زیستگاه یا اکوسیستم اهمیت پیدا کرد. هر گونه طراحی که اثرات مخرب محیطی را با ایجاد ارتباطی میان طراحی وفرایندهای طبیعی به حداقل برساند، طراحی اکولوژیک[42] است. طراحی اکولوژیک نوعی طراحی اتحادگرا و از نظراکولوژیک مسئولانه است وتلاش می‌کند میانِ کارهای‌های پراکنده در معماری سبز و کشاورزی پایدار و مهندسی اکولوژیک و دیگر زمینه‌ها اتحاد برقرار کند. (Ryn& Cowan 1996: x) معماری طبیعت بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر از معماری مصنوع بشر است. اکولوژی، معماری طبیعت است. (Dawson 1990:138) بنابراین منظر به مثابه فضایی که با حضور طبیعت و کارکردهای فرایندهای آن تعریف می‌شود یا تحت تأثیر آن است، همواره در حال تغییر و دگرگونی است؛ فضایی که با زمان تعریف می‌شود. از طرفی فضای منظر، از باغ‌های دوران‌های گذشته گرفته تا منظر معاصر، به مثابه فضای مصنوع انسان، اثری است هنری، بازنمود ایده‌ها و تخیلات انسان. این فضای هنری با تولید فضاها و تصاویر بی‌حرکت و بی تغییر در جستجوی منجمد کردن زمان است. از هنگام ظهور معماری منظر مدرن، دو مدل مقتدر در بطن آن شکل گرفته است. اولی دیدگاه طراحی اکولوژیک و محیطی است. این دیدگاه تحت تأثیر نوشته‌ها و تعلیمات معلمانی چون ایان مکهارگ[43] بوده و هست. نقش اصلی این مدل در فرایند طراحی ایجاد ساختاری برای مرحله پیش از ایده‌پردازی است؛ به روشی دفاع پذیرتر و علمی‌تر. دومین مدل معماریِ منظر به مثابه هنر بود. نظریات و کارهای معلمانی چون پیتر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

واکر[44] بر بسط این دیدگاه در دوران مدرن تأثیر بسیار داشته است. واکر و شاگردان او مدعی بودند که فرایند طراحی گاه به تحلیل‌های اکولوژیک و اجتماعی و رفتاری بسیار وابسته است؛ به طوری که گاه هنر مرئی ساختن و زیبا ساختن و به یادماندنی ساختن، تابع کارکرد می‌شود و نقش فرعی پیدامی‌کند. نقش اصلی این مدل در مرحله ایده‌پردازی و بسط طرح نمایان می‌شود. از مهم‌ترین آموزه‌های آن به‌کارگیری مجموعه عناصر و تاکتیک‌های هنر معاصر در ساختن منظرهاست. بین این دو مدل شکاف و تقابلی وجود داشته است.آن‌ها آگاه از یکدیگر بودند اما در دو قلمرو جدا از هم و بر اساس سیستم‌های ارزشی و مجموعه‌ای از عناصر متفاوت عمل می‌کردند. (Meyer 2000:189)

مکهارگ در 1960 دیدگاه نوی از برنامه‌ریزی را عرضه کرد که طرفداران مدل هنری طراحی منظر «تعین‌گرایی اکولوژیک» نامیدند. (Walker &Simo 1994 : 275) در روش او می‌توان اطلاعات محیطی را وارد پروسهٔ برنامه‌ریزی کرد. (McHarg1992) مدل دوم بر فرم فضا و فیزیکی بودن آن از جنبهٔزیباشناسانه تأکید داشت؛ به‌ویژه فضای بصری منظر که هماهنگ با هنر مدرن بود.

تقابل این دو مدل یا دیدگاه همچنین بازگوکنندهٔ تقابل مدل هنری و مدل علمی بود. این مدل‌ها می‌توانند قطب‌های نوعی تفکر دوگانه باشند: مکتب افراطی تکنولوژیک با حل اثبات‌گرایانهٔ مسائل بر اساس مکانیک و مدیریت اکولوژیکی از یک طرف و از طرف دیگر مکتبِ به همان اندازه افراطی زیباشناسی براساس برداشت‌های شخصی از دکتری تاریخ‌گرا و فرمالیست که ارتباط مبهمی بین هنر و زیباشناسی واکولوژی و تاریخ برقرار می‌کند... در تئوری معاصر، اکولوژی تکنولوژیک جانشین سکونت شاعرانه می‌شود. دیدگاه افراطی زیباشناسانه قدرت محتوای نمادین را از بین می‌برد و تاریخ‌گرایی جانشین تاریخ و سنت می‌شود. منطقه‌گراییِ نوستالژیک در مقابل مدرنیته معاصر قرارمی‌گیرد. جنبش بنیادگرای طبیعت جای هنر و بیان فرهنگی را می‌گیرد و تعصب غیرنقادِ اردوگاه‌های مختلف اندیشه جانشین گفتمانِ نقاد می‌شود. (Corner1990:75) هدف اصلی از طراحیِ منظر خلق زیستگاه‌هایی برای انسان امروز است: ساختن منظر سکونت. آشتیِ اکولوژی علمی و مفهوم فرهنگی طبیعت وآشتیِ کارکرد و شکل زیباشناسانه هنگامی محقق می‌شود که به طراحی منظر برای عموم مردم و فرهنگ عامه توجه کنیم. طراحی اکولوژیک نیازمند ترجمهٔالگوهای اکولوژیک به زبان فرهنگی است.

ارج‌گذاری بر فرایندهای طبیعی تابعِ آگاهیِ بیشتر از آن‌هاست. از این رو می‌توان آن را با ارج‌گذاری بر آثار هنری مقایسه کرد؛ فرایندی که با دانش و سطح ادراک متناسب است. (Hough 1990:26) یکی از اهدافی که کار متفرقه در معماری منظر در دو دهه گذشته بر آن تمرکز داشته این است که ارتباطات متقابل و آشتی‌جویانه وزیباشناسانه و فیزیکیِ بین انسان و دنیای طبیعی را ملموس کند و به شکل‌گیری تجربهٔ محیط و نزدیکی بین انسان‌ها و طبیعت بینجامد. این هدف محیط‌گرایی اکولوژیک را وارد فرایند طراحی کرد؛ فرایندی شامل برنامه‌ریزی وتعبیر و تحلیل سایت ودستور زبان فرم و تکنیک‌های ساخت. این موضوع باور به فرم مدرن را به چالش می‌کشد: فرم یا فضایی بسته و مجرد که ناظری انتزاعی و متفکر آن را تجربه می‌کند. این چالش با تمرکز بر ساختن تجربه‌های زیباشناسانه‌ای میسر می‌شود که به زمینهٔ فرهنگی و اکولوژیک خود پیوسته و با آن آمیخته‌اند. اهمیت این شیوهٔ کارمیانجی‌گری میان دو بحث پراکنده است، هر کدام با زمان و اصول خود؛ نوعی دیالکتیک بین علم و هنر و بین محیط‌گرایی اکولوژیک و طراحی معماری منظر.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

برای طراح، یکی ازپرسش‌هایی که جنبش محیط‌گرا طرح می‌کرد نبود ارتباط بین آنالیز سایت وبیان طراحی بود؛ به روایتی رابطهٔ بین ارزش‌های محیطی وتولید فرم. پرسش بنیادین این است که بعد از شناسایی باارزش‌ترین یا آسیب‌پذیرترین مکان‌ها و اختصاص دادنِ آن‌ها به «حیطه‌های غیر قابل ساخت» و قطعی کردن مناسب‌ترین موقعیت اکولوژیک برای ساختمان یا ساختن منظری مصنوعی، چگونه باید فرم‌ها و فضاهای منظر را شکل داد؟

در دههٔ 1980 معمار منظر با پرسش دومی روبرو شد: چگونه می‌توان به فرایندهای پویا و سیستم‌های نوسان‌کننده فرم داد، اما به سراغ کدهای طراحی مدرن نرفت که اشیای ایستا و محصور و ایده‌آل در هنر و معماری را ترجیح می‌دادند و اغلب منظر را در سطح چشم‌اندازی بصری پایین می‌آورد. (Meyer2000:189)

امروزه در جوامع در حال توسعه، بیش از پیش نیاز به آشتی میانِ مدل‌های زیبایی‌شناسانه (هنری) طراحی منظر و مدل‌هایِ اکولوژیک (علمی) آن در فرایند طراحی محیط احساس می‌شود. برای دست‌یابی به این آشتی، می‌توان برای ایجاد مدل سومی از منظر تلاش کرد که زیباشناسی اکولوژیک را با اکولوژی انسان،[45] که بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ است، در آمیزد. آشتی فرهنگ با طبیعت مستلزم آگاه‌سازی جمعی و بالا بردن سطح فرهنگ طراحی منظر از طریق کار بین رشته‌ای در حیطه‌های علمی و هنری و نیز نظری و عملی است.

نتیجه

- منظر بر مفهومی بسیار وسیع دلالت دارد. این مفهوم براساس دیدگاه‌های گوناگون به موضوعات بسیار متنوعی از جمله فضا، محیط، منظره، مکان، زمین و بسیاری مفاهیم دیگر پیوسته است.

- منظر مفهومی فضایی است ولی ویژگی‌های فیزیکی فضا فقط یکی از ابعادِ آن است. فضای منظر از کنش‌ها و تعاملات موجودات زنده (انسان و غیر انسان) با محیط مادی (طبیعی و مصنوع) و تعاملات فرهنگ انسانی و طبیعت در مکانی خاص در فضا و در زمان شکل می‌گیرد و از طریق حواس، تعقل و تجربهٔ زیسته در منظر ادراک می‌شود.

- منظر ارتباطی ناگسستنی با مکان در مقیاس‌های مختلف دارد. منظر حیاط خانهٔ‌سنتی در یزد و منظر کوهستان البرز نمونه‌هایی از منظر در مقیاس‌های محلی و منطقه‌ای‌اند. منظر دور و نزدیک همیشه در یکدیگر نفوذ می‌کنند. خاصیت زمینی بودن منظر رابطهٔ آن‌را با مکان عمیق‌تر می‌کند. فضای منظر وابسته به مکان است.

- منظر ارتباطی ناگسستنی با هویت مکان‌ها دارد و جلوه‌گر طبیعت بومی و شیوه‌های زندگی بومی در مکان‌هاست. توسعهٔ شهرها در بسیاری از نقاط جهان به ویرانی منظر و طبیعت بومی مکان‌ها منجر شده و منظرهای بی‌مکان و بی‌زمان را جانشین آن‌ها کرده است.

- منظر حاصل فرایندهای طبیعی و تعاملات و کنش‌های موجودات و محیط در زمان است. منظر در حرکت، تغییر و رشد تجربه می‌شود. فضای منظر وابسته به زمان است.

- اندیشهٔ دوگانه به اشکال مختلف بر مفهوم منظر و چگونگی اندیشیدن به منظر اثرمی‌گذارد. منظر تجربی و منظر تصویری، تعبیر انسانی از طبیعت و طبیعت وحشی، فرایندهای طبیعت و بیان هنری طبیعت، هنر منظر و علم منظر، منظر آزاد فضاهای خودجوش و منظر کنترل شدهٔ فضایی همواره در تقابل‌اند. دیدگاهی که انسان را در مرکز جهان و طبیعت قرار می‌دهد و طبیعت را خارج از فرهنگ انسان تعریف می‌کند در برابر دیدگاهی که انسان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

را خارج از طبیعت می‌داند در تقابل‌های مختلف طبیعت/ فرهنگ و خود/ دیگری تظاهر می‌یابد.

- این موضوع حائز اهمیت است که وجود انسان را بخشی از منظر طبیعی بپنداریم و نقش او را در هماهنگی با طبیعت تعریف کنیم. جدایی انسان از منظر طبیعی بیگانه‌سازی او از جهان پیرامون اوست.

- باید در تصاویر آرمانی و اتوپیایی وچشم‌نوازی که همواره به مثابه واقعیات زیباشناسانه پذیرفته بوده‌اند تردید کرد. این دیدگاه‌های کهنه بر تصاویر و فضاهایی تأکید می‌کنند که با مکان‌ها ارتباط ندارند و در زمان رخ نمی‌دهند.

- منظرها نقش مهمی در برقراری ارتباط انسان و جوامع انسانی با طبیعت و تعمیق این رابطه دارند. امروزه بحران زیست‌محیطی و ضرورت توسعهٔ‌پایدار توجه به فرایندهای طبیعی و ایجاد ارزش‌های زیباشناسانهٔ تازه را می‌طلبد؛ ارزش‌هایی ورای مرزهای کارکرد گرایانهٔ اکولوژی علمی که مسائل را در سطح کارکردهای مکانیکی طبیعت نزول می‌دهد. طراحی اکولوژیک پارادایم پسامدرنی است که مشخصهٔ آن درک عمیق از رابطهٔ انسان و طبیعت است.

پی نوشت

1. picturesque view
2. Palimpsest
3. Fredrick Law Olmsted
4. Calvert Vaux

5. المستد هفت سال بعد در نامه‌ای تردید خود را نسبت به مناسب بودن واژه‌های منظر و معماری و ترکیبشان برای این رشته مطرح می‌کند. تعریف معماری منظر می‌تواند بسیار مبهم باشد. حتی آن‌ها که در این حرفه فعالیت می‌کنند در مورد تفاوت بین معماری منظر و طراحی منظر دچار ابهام‌اند. واژه‌هایی چون برنامه‌ریزی منظر، مدیریت منظر، علم منظر و حتی واژه‌هایی از دوران قبل از انسجام این حرفه در دوران معاصر مانند باغسازی منظر می‌توانند ایجاد سردرگمی کنند. (Thompson 2005:2)

6. The Landscape of Man
7. Simon Swaffield
8. conceived
9. perceived
10. holistic
11. JalaMakhzoumi& Gloria Pungetti
12. as scenery
13. as specific place
14. as expression of culture
15. as a holistic entity
16. Isaac S. Zonneveld
17. Biotic and abiotic
18. The perception landscape
19. The landscape pattern
20. The Landscape as an Eco(system)
21. outdoor
22. Picturesque

23. پیتر واکر Peter Walker استاد معماری منظر در دوره کارشناسی ارشد هاروارد بین سال‌های 1958 و 1987است.

24. Garrett Eckbo
25. Urban landscape
26. Natural landscape

27. پتریک کاندن Patrick Condon استاد معماری منظر دانشگاه بریتیش کلمبیا UBC در کاناداست.

28. Cubist Space
29. volumetric Space

30. جان بنسون John Benson(1947-2004) استاد برنامه‌ریزی و مدیریت منظر در مدرسه معماری، برنامه‌ریزی و منظر دانشگاه نیوکاسل بود. مگی رو Maggie Roe مدرس عالیرتبه و متخصص در برنامه ریزی پایدار منظر در دانشگاه نیوکاسل است.

31. سایمون بل استاد و مدیر دپارتمان معماری منظر در انستیتو کشاورزی و علوم محیطی در دانشگاه علوم حیات استونیا و نیز مدیر مشترک OPENspace مرکز تحقیق برای دسترسی فراگیر به محیط های فضای بیرونی در کالج هنر ادینبورو است.

32. Spatial disciplines
33. Extensive space
34. Relative space

35. فضای شدت ها Intensive space در متون فلسفی اشتدادی نیز نامیده شده است که در تقابل با فضای امتدادی مطرح می‌شود.

36. openness

37. جان وایلی John Wylie مدرس ارشد جغرافیای فرهنگی در دانشکده جغرافی، باستان شناسی و منابع زمین در دانشگاه اکستر است.

38. tensions
39. Cultural construct
40. Recovering Landscape

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

41. ناصنعتی شدن De-industrialization فرایند تغییر اجتماعی و اقتصادی ناشی از حذف یا تقلیل فعالیت صنعتی در یک کشور یا منطقه است.

42. اصول طراحی اکولوژیک پایدار حکم می‌کند که: دنیای زنده باید ماتریسی برای همهٔ طراحی‌ها باشد- طراحی باید قوانین حیات را دنبال کرده و بر ضد آن نباشد - عدالت بیولوژیک در طراحی تعیین‌کننده است - طراحی باید ویژگی‌های زیست منطقه‌ای را منعکس کند- طرح‌ها باید بر اساس منابع انرژی‌های قابل بازیافت باشد - طراحی پایدار از طریق وحدت سیستم‌های زنده - طراحی همزمان با دنیای طبیعی تکامل پذیر باشد - ساختن و طراحی به ترمیم و بهبود سیاره زمین کمک کند – و طراحی باید اکولوژی مقدسی را دنبال کند. (Todd et al.1994:xiv)

43. Ian McHarg
44. Peter Walker
45. Human ecology

منابع

- Bell, Simon. 1999. Landscape: Pattern, Perception and Process. E & FN Spon.
- Benson, John and Roe, Maggie, 2000.Edited By. Landscape and sustainability. Spon Press.
- Collins, Peter. 1965. Changing Ideals in Modern Architecture: 1750-1950.Faber and Faber.
- Condon, Patrick. 1988. Cubist Space, Volumetric Space. In Swaffield2002.
- Corner, James.1990. A discourse on Theory I: "Sounding the Depths"-Origins, Theory, and Representation. Landscape Journal. 1990, Fall, v.9, no.2, p.61-77.
- Corner, James.1992. Representation and Landscape. In Swaffield 2002, p.144-165.
- Corner, James. 1998. Operational Eidetics: Forging New Landscapes. Harvard Design Magazine. Autumn 1998.
- Corner, James. 1999. Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture. (Edited by)Princeton Architectural Press.
- Cosgrove, Denis E.,1998. Social Formation and Symbolic Landscape.The University of Wisconsin Press.
- Dee, Catherine, 2001. Form and Fabric in Landscape Architecture: A Visual Introduction. Spon Press.
- Dawson, Kerry J. 1990. Nature in the Urban Garden. In Fransic and Hester Jr. 1990.
- Hagan, Susannah. 2001. Taking Shape: a new contract between architecture and nature. Architectural Press.
- Harvey, Sheila & Fieldhouse, Ken.2005. Cultured Landscape: Designing the Environment in the 21st century. Routledge.
- Herrington, Susan,2009. On Landscapes. Routledge.
- Hough, Michael, 1990. Out of Place. Yale University Press
- Jellicoe, Jeffrey, and Susan Jellicoe. 1975.The Landscape of Man: Shaping the Environment from Prehistory to the Present Day.1987.
- Jencks, Charles. 1997. The Architecture of the Jumping Universe. Academy Editions
- Koh, Jusuck. An Ecological Aesthetic. Landscape Journal. 1988. Fall, V.7 no.2. p.177-191
- Makhzoumi, J. &Pungetti, G.1999.Ecological Landscape Design and Planning: Mediterranean Context. E &FN Spon.
- McHarg, Ian L. 1992 (1962). Design with Nature. John Wiley & Sons, Inc.
- McHarg, Ian L.1990.Nature is More Than a Garden. In Francis & Hester Jr.1990.
- Meyer, Elizabeth. 1998."The Expanded Field of Landscape architecture (1997)" in Theory of Landscape Architecture by Swaffield.
- Meyer, Elizabeth.2000. The Post- Earth day Conundrum: Translating Environmental Values into Landscape Design. In Conan 2000.
- Moore, Kathryn. 2011. Nature Culture. In Mostafavi, Mohsen. & Doherty, Gareth.2011. Ecological Urbanism. Harvard University- Graduate School of Design Press.
- Murphy, Michael D. 2005. Landscape Architecture Theory: An Evolving Body of Thought.
- Nassauer, Joan Iverson. 1995. Messy Ecosystems, Orderly Frames. Landscape Journal. Fall 1995-V.14-No.2
- Nassauer, Joan Iverson. 1997. Edited by. Placing Nature: Culture and Landscape Ecology. Island Press.
- Ryn, Sim Van der & Cowan, Stuart. 1996. Ecological Design. Island Press.
- Steiner, Fredrick. 2000. The Living Landscape: An Ecological Approach to Landscape Planning. McGraw-Hill Inc.
- Somol, R.E. 2001. All Systems GO! : The Terminal Nature of Contemporary urbanism. In Czerniak 2001.
- Spirn, Anne Whiston. 1984. The Granite Garden: Urban Nature and Human Design. Basic Books.
- Spirn, Anne Whiston. 1998. The Language of Landscape. 125-130. InSwaffield 2002.
- Swaffield, Simon. 2002. Edited by. Theory in Landscape Architecture: A Reader.
- Swaffield, Simon.2005. Landscape as a Way of Knowing the World. In Harvey, Sheila et al 2005.
- Thompson, Ian H., 2000. Ecology, Community and Delight: Sources of Values in Landscape Architecture.E& FN Spon.
- Todd, John & Todd, Nancy Jack.1994. From Eco-Cities to Living Machines: Principles of Ecological Design. North Atlantic Books.
- Trieb, Marc. 1999. In Recovering Landscape.
- Trieb, Marc. 2008. Edited by. Representing Landscape Architecture. Taylor & Francis.
- Turner, Tom. 1996.City as Landscape. A post-modern view of design and planning. Spon Press.
- Turner, Tom. 2005. Garden History : Philosophy and Design, 2000 BC--2000 AD Taylor & Francis Routledge
- Walker, Peter, and Melanie Simo. 1994. Invisible Gardens: In Search of Modernism in the American Landscape.
- Whyte, Ian D. 2002. Landscape and History-Since1500. Reaktion Books.
- Wylie, John. 2007. Landscape. Routledge.
- Zonneveld, Isaac S. 1995. Land Ecology: An Introduction to Landscape Ecology. SPB Academic Publishing.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]